

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اراک

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

عنوان: موضوع : تاثیر و تاثر در اشعار فروغ فرخزاد با تکیه بر اشعار

حافظ ، تی اس الیوت ، فرزانه خجندی و سهراب سپهری .

پژوهشگر :

زینب میرنوعی

استاد راهنما:

دکتر جلیل مشیدی

استاد مشاور:

دکتر حسن حیدری

دانشگاه اراک

شهریور ۱۳۹۱

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع:

موضوع: تاثیر و تاثیر در اشعار فروغ فرخزاد با تکیه بر اشعار  
حافظ، تی اس الیوت، فرزانه خجندی و سهراب سپهری.  
توسط:

زینب میرنوعی

پایان نامه

ارائه شده به مدیریت تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی از فعالیت های تحصیلی لازم برای اخذ

درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

از

دانشگاه اراک،

اراک-ایران

۲۰

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه با درجه: *عالی و متمایز*

دکتر جلیل مشیدی (استاد راهنما).....  
*دانشیار*

دکتر حسن حیدری (استاد مشاور).....  
*استادیار*

دکتر سیده زهرا موسوی (داور داخلی).....  
*استادیار*

شهریور ۱۳۹۱

ای خداوند...

ای خداوند! به علمای ما مسئولیت، و به عوام ما علم، و به مومنان ما روشنایی، و به روشنفکران ما ایمان و به متعصبین ما فهم و به فهمیدگان ما تعصب و به زنان ما شعور و به مردان ما شرف و به پیروان ما آگاهی و به جوانان ما اصالت و به اساتید ما عقیده و به دانشجویان ما نیز عقیده و به خفتگان ما بیداری و به دینداران ما دین و به نویسندگان ما تعهد و به هنرمندان ما درد و به شاعران ما شعور و به محققان ما هدف و به نومیدان ما امید و به ضعیفان ما نیرو و به محافظه‌کاران ما گستاخی و به نشستگان ما قیام و به راکدین ما تکان و به مردگان ما حیات و به کوران ما نگاه و به خاموشان ما فریاد و به مسلمانان ما قرآن و به شیعیان ما علی(ع) و به فرقه‌های ما وحدت و به حسودان ما شفا و به خودبینان ما انصاف و به فحاشان ما ادب و به مجاهدان ما صبر و به مردم ما خودآگاهی و به همه ملت ما همت، تصمیم و استعداد فداکاری و شایستگی نجات و عزت

ببخش!

دکتر علی شریعتی

تقدیم :

به مسافری که به دیار ملکوت سفر کرد و دلم را در حسرت دیدارش به آتش کشید : خواهرم بهناز  
در قلبم به جاودانه ها پیوستی، امید که در شادی روحش نقش کوچکی را سهمیم شده باشم .

و به مادری که لالایی مهربانی را برایم سرود و پدری که شعر عاشقی را با اذان و اقامه ایمان به گوشم خواند  
و برادران و خواهران عزیزم که همواره چون تکیه گاه خدایی در کنارم بودند

و در نهایت :

تقدیم به اسیری که دیوار را به عصیان کوبید و تولدی دیگر یافت و به آغاز فصل سرد معصومانه ایمان آورد

...

فروغ فرخزاد .

سپاس

با تشکر فراوان از استادان عزیز و ارجمندم دکتر جلیل مشیدی که با نصیحت های پدرانۀ خود دلیل و چراغ راهم گشت و دکتر حسن حیدری افتخاری شاگردی اش را نصیب حقیر کرد.

و سرکار خانم دکتر سیده زهرا موسوی که داوری این پایان نامه را بر عهده گرفتند و دلسوزانه به رفع ایرادات حقیر همت گماشته اند.

از زحمات بی دریغ و نظرات استادانه هر سه این عزیز نهایت تشکر را دارم و برای ایشان عمری با عزت و دانش آرزومندم .

## چکیده :

فروغ فرخزاد شاعر معاصر ادبیات ایران و جهان که تبدیل به یکی از اسطوره هایی شده است، بعد از نزدیک نیم قرن از مرگش ما از شناخت او عاجزیم. تاثیر ماندگار آثار فروغ فرخزاد بر ادبیات معاصر ایران به گفته بسیاری انکارناپذیر و به باور برخی ممتد و در جریان است. نگاهی به آثار فروغ فرخزاد، تاثیر او بر ادبیات ایران و جهان و نیز جهانی شدن کار و آثار او، بارها مورد بررسی منتقدان قرار گرفته است.

در این پایان نامه به بررسی این تاثیر و تاثیر در اشعار چند شاعر ارزشمند ادبیات ایران و جهان، از جمله حافظ شیرازی شاعر بزرگ و دورانساز قرن هشتم، تی اس الیوت یکی از سردمداران ادبیات مدرنیسم اروپا و جهان، فرزانه خجندی شاعر نوآور و صاحب سبک ادبیات تاجیکستان و در نهایت سهراب سپهری شاعر معاصر که یکی از قله های دست نیافتنی ادبیات معاصر ما محسوب می شود، پرداختیم.

کلمات کلیدی : فروغ فرخزاد، حافظ، الیوت، فرزانه خجندی، سهراب سپهری و تاثیر و تاثیر .

اساس این جستار بر نقد تأثیری و تطبیقی نهاده شده است، ابتدا به بیان تعاریف پرداخته و بعد از آن گزارش کوتاهی از این نوشته ارائه می دهیم .

اما نقد احساسی یا تأثیری ( Impressionistic Criticism ) چیست ؟

"در این گونه نقد، منتقد می کوشد تا تأثیری را که اثر ادبی بر او گذاشته است بیان کند . یعنی خیالات ، بینش ها ، احساسات و به طور کلی امپرسیونی که اثر در او ایجاد کرده است توضیح دهد. "والتر پیتر" (Pater) می گوید : اولین قدم برای دیدن شی به نحوی که واقعا هست ، این است که امپرسیون (تاثیر ، احساس) خود را از آن به نحوی که واقعا هست بدانیم، در اینصورت است که آن را می توانیم تمیز دهیم و دقیقا بشناسیم .

"آنا تول فرانس" این شیوه از نقد ادبی را چنین تعریف کرده است (و این تعریف او در بین منتقدان ادبی معروف است)، ماجراهای یک روح حساس در برخورد با شاهکار ها.

در این مورد باید توجه داشت که تاثیر هر کسی از یک شاهکار ادبی فی نفسه نمی تواند مهم یا برای دیگران حایز اهمیت باشد. تاثیرات کسی مهم و برای مردم جالب است که در زمینه ی ادب اعتباری داشته باشد و لذا مردم نسبت به آرا و عقاید او کنجکاو باشند. مثلا همه ی ما دوست داریم بدانیم نظر نیما درباره ی بوف کور و تاثیر او از این شاهکار چه بوده است و گرنه نظر افراد معمولی در این باره برای هیچ کس مهم نیست.

دیچز می نویسد :

پیروی از مکتب تاثیر گرایی محض یعنی پناه بردن به لغوگویی مبنی بر برداشت های شخصی از برای هر نظام انتقادی و یا هر روش انتقادی مهلک است. وقتی این شیوه حکمفرماست ادبیات زیان می بیند.



از نمونه های نقد تأثیری در ادبیات ما آثار نویسنده فاضل فقی علی دشتی ( کتاب هایی چون شاعری دیر آشنا ، دمی با خیام...) است."

**ادبیات تطبیقی** یا هم‌سنجشی شاخه‌ای از نقد ادبی است که از روابط ادبی ملل مختلف و از انعکاس ادبیات ملت‌ها در یکدیگر سخن می‌گوید؛ برای نمونه از تأثیر ادبیات ایران بر ادبیات عرب و یا برعکس می‌گوید.

به عبارت دیگر ادبیات تطبیقی بررسی تصویر و انعکاس ادبیات و فرهنگ ملتی است در ادبیات ملت یا ملت‌های دیگر . پس نفوذ ادبی بر دو قسم است: یکی نفوذ شاعران و نویسندگان کشوری در نویسندگان و شاعران همان کشور؛ مانند تأثیر نظامی، فردوسی و سعدی بر شاعران دیگر و دیگری نفوذ شاعر، نویسنده یا ادبیات ملتی است در شاعر، نویسنده یا ادبیات ملت دیگر که بررسی آن را ادبیات تطبیقی می‌گوییم؛ مانند تأثیر فردوسی بر متیو آرنولد انگلیسی و تأثیر حافظ بر گوته.

برداشت تأثیری و تطبیقی ما از اشعار چندین شاعر(حافظ،الیوت،خجندی و سپهری ) و مقایسه آن با اشعار فروغ فرخزاد چهارچوب اصلی ساختمان این پایان نامه را تشکیل می دهد .

این پایان نامه به پنج بخش تقسیم می شود به این بخش ها به ترتیب زیر است که به ذکر خلاصه ای از آن می پردازیم :

**بخش اول اختصاص به اندیشه و اشعار و زندگی نامه فروغ فرخزاد دارد ؛ که در آن به**

**موضوعات و دغدغه های اصلی زندگی و اشعار وی می پردازیم.**

فروغ از پیشتانان تجدد در ایران است، به این اعتبار که؛ اگر چه نیما در شعر فارسی صاحب این مقام است، ولی شعر فروغ با حضور زن دنیای معاصر در آن، با تمامی وجود و فردیت این زمانی خویش، تازگی

دارد، به این اعتبار که برای اولین بار زن به عنوان زن به شعر راه یافته است و این موهبت بزرگی است که باید آن را گرامی داشت.

جهان فروغ، بر خلاف شاعران زن پیش از او، شفاف و بری از رمز و رازهای آسمانیست. در انطباق با جهان طبیعی ست که شعر او را کفر نیز می دانند. به زمین کشاندن خدا از آسمان گام نخست مدرنیته است. در این زمان است که همه بخش های جهان انسان به نقد کشیده می شود. از شناخت خود است که به شناخت جامعه می رسیم. انسان دوران مدرن بی رمز و راز است، در هاله ای از تقدس به سر نمی برد.

**بخش دوم دوم اختصاص به بررسی تاثیر افکار و اشعار حافظ شیرازی بر اشعار و اندیشه فروغ است.**

حافظ و فروغ فرخزاد دو قلم بلند شعر فارسی در دو دوره مشابه اما دور از هم از نظر زمانی بودند. دو شاعری که همواره در برخورد با آنها افراط و تفریط در جامعه ادبی ما موج می زند.

گروهی از آنها بتی بی نظیر می سازند و گروهی ضد دین و فارغ از پروای ننگ و نام

اگر در زمان حافظ او بارها به خاطر مضامین شعریش به چالش و دادگاه قشریون کشیده شده فروغ نیز از همان ابتدا مورد لعن و نفرین گروه زاهدان ظاهرپرست قرار گرفت که تنها از دین به ظاهر آن اکتفا کرده اند.

**بخش سوم اختصاص به تاثیر فروغ فرخزاد از الیوت شاعر شاعر مدرن امریکایی \_**

**انگلیسی است.**

تاثیر تی اس الیوت شاعر صاحب نام انگلیسی، امریکایی بر ادبیات معاصر ایران انکار ناپذیر است و شاعرانی چون سهراب سپهری، احمد شاملو، احمد رضا احمدی، مهمتر از همه فروغ فرخزاد و دیگران در برهه ای از زمان تاثیر به سزایی از این شاعر پذیرفتند و در جهت رشد و ترقی اشعار خود به کار بستند.

در این قسمت موضوع مورد بحث ما تاثیر تی اس الیوت بر اشعار و افکار فروغ فرخزاد است، موضوعی که در چند سال اخیر جسته و گریخته به آن پرداخته شده است و مهمترین آن پایان نامه ای بود که در دانشگاه شیراز قبل از انقلاب دفاع شد و اکنون اثری از آن باقی نیست و نگارنده با وجود تلاشهای انجام شده موفق نشد که به آن دست یابد و مورد مطالعه و استفاده قرار دهد، بنابراین تصمیم بر آن شد به طور مستقل به این موضوع پرداخته شود .

## بخش چهارم اختصاص به تاثیر فروغ بر شاعران زن تاجیک و مشخصا فرزانه خجندی معروف به فروغ تاجیکان است :

ورود شعر و اندیشه فروغ به پهنه شعر تاجیکستان در دهه هفتاد و هشتاد قرن بیست اتفاق افتاد. با نشر مجموعه تولدی دیگر نه تنها در محیط ادبی، بلکه در جامعه تاجیکستان بخصوص میان نسل جوان، ترکیبی (انفجاری) از احساس و تفکر و عشق رخ داد. شعر فروغ وسیله کشف رازهای قلبی، بازتاب احساسات فردی، افاده درد عشق، اظهار صدای اندرونی ناگفته جوانان تاجیک گردید. جوانان با شعر فروغ زندگی می کردند، عشق می ورزیدند، خالیگاه سرد و سکوت زندگی تنهای خویش را پر کرده، اندوههایشان را با هم قسمت می کردند. شاید دیگر از آن روزگار به بعد هم شاعری نتوانست به اندازه فروغ میان جوانان تاجیک محبوبیت یابد. هرچند بعدها شعر سهراب سپهری توانست میان ادیبان این کشور غلغله هایی در مسیر تجدید تفکر و نوگرایی بیفکند.

این تجلی روحی و فکری فروغ، با آن حجم و مساحت فراگیر، نمی توانست در روح شعر معاصر تاجیکی، خاصه شعر بانوان، بی تاثیر باشد. تامل و تحقیق در شعر امروز تاجیک، اشعاری را نشان می دهد که در آن ها به شعر فروغ یا اندیشه وی اشارت می شود. فرزانه، شاعر مشهور تاجیکی ، که بی شک از پیشگامان ادبیات امروز فارسی شناخته شده است، با اعتقاد و اخلاصی تمام به دنبال فروغ سخن به زبان می آورد.

و در نهایت بخش پایانی و پنجم این پایان نامه بررسی تاثیر اشعار و اندیشه فروغ بر اشعار و اندیشه سهراب سپهری به طور اختصاصی در موضوع عرفان و طبیعت است :

با توجه به اینکه مقاله ارزشمندی در زمینه فکرومحتوایی اشعار دو شاعر بزرگوار نوسرا به نام (بررسی مقایسه ای شعر فروغ و سپهری از نظرگاه فکری و محتوایی نویسندگان: حسین پور، علی - موسوی، صغری السادات ( صورت گرفته است، برای پیشگیری از تقلید و تکرار موضوع به عرفان و طبیعت در اشعار این دو شاعر می پردازیم .

اینکه سهراب برای بیان افکار و اندیشه عرفانی خود از طبیعت استفاده کرده است شکی نیست، در واقع برای این نوع عرفان مبتدع و صاحب سبک است . فروغ نیز از همان ابتدا به طبیعت توجه خاصی دارد و رفته رفته این توجه پررنگ و حتی نقش اول را با چاشنی عرفان بر عهده می گیرد.

علاوه بر آن ارتباط دوستانه عمیق بین فروغ و سهراب که از دوران نوجوانی در کلاس نقاشی وجود داشت و تا آخر عمر فروغ ادامه می یابد و سهراب اولین کسی بود که بعد از ابراهیم گلستان لحظه مرگ و تصادف فروغ حاضر می شود و شعر زیبای دوست که در واقع مرثیه برای فروغ است می نویسد . این ارتباط هنری با توجه به اینکه بحث و بررسی در مورد اشعارشان با همدیگر انجام می دادند ناخود آگاه تاثیر و تاثر بین این دو هنرمند صورت می گرفت .

با ارائه این گزارش کوتاه با یاری خداوند منان و استعانت از چهارده معصوم وارد موضوع اصلی می شویم.

## فهرست مطالب

- ۱ بخش اول : تاملی در زندگی و اندیشه فروغ فرخزاد
- ۲ بیوگرافی فروغ فرخزاد
- ۴ فروغ از نگاهی دیگر
- ۲۲ فهرست منابع و مآخذ
- ۲۳ بخش دوم : تاثیر اندیشه حافظ بر اشعار فروغ فرخزاد و بازتاب آن در شعر او
- ۲۴ فروغ و حافظ انقلابی و عصیانگر
- ۳۰ محور اندیشه ریاستیزی
- ۳۶ محور اندیشه ملامتگری و بی توجهی به نام و ننگ
- ۴۲ محور امید بخشش و الطاف خداوندی
- ۴۹ دعوت به خوش باشی و غنیمت شمردن دم
- ۵۳ نتیجه
- ۵۴ منابع و مآخذ
- ۵۵ بخش سوم : تاثر فروغ فرخزاد از اندیشه و اشعار الیوت
- ۵۶ تاثر فروغ فرخزاد از اندیشه و اشعار الیوت
- ۵۹ یاس و ناامیدی در شعر دو شاعر

۶۷	عشق از دیدگاه دو شاعر
۷۰	دریچه ای برای سخن گفتن
۷۳	مفهوم رنج و درد در اجتماع
۷۴	سرزمین هرز دو شاعر
۷۶	تصویر انسان های اطراف
۸۳	زندگی برابر با مرگ
۸۶	نتیجه سخن
۸۸	منابع و مأخذ
۸۹	بخش چهارم: تاثیر اشعار و اندیشه فروغ بر اشعار فرزانه خجند
۹۰	تاثیر و تاثر در اندیشه فروغ و فرزانه
۹۱	تاثیر فروغ بر شعر زنان تاجیک
۹۳	معرفی فروغ تاجیکان
۹۵	اشعار فرزانه و فروغ
۹۷	آیه ای به نام انسان
۹۸	شعر الهه ی خون آشام
۱۰۰	زندگی از دید دو شاعر
۱۰۱	کودکی سرزمین آرزوها

۱۰۳ عشق ، روشنائی بخش شبستان تاریک

۱۱۳ توقف چرا، آری هنوز زیستنم باید ...

۱۱۸ نتیجه سخن

۱۲۰ منابع و مآخذ

بخش پنجم : عرفان و طبیعت در اشعار فروغ فرخزاد و سهراب

۱۲۱ سپهری

۱۲۲ سهراب سپهری

۱۲۳ سهراب و فروغ در نگاه کلی

۱۲۹ عرفان و طبیعت در اشعار فروغ و سهراب

۱۳۰ عرفان و طبیعت

۱۳۱ خواب ، دریچه ای به عالم تعالی و عرفان

۱۳۲ نور

۱۳۷ هبوط و تولد ناخواسته

۱۴۰ یک پنجره کافیسست ...

۱۴۲ زمین پله ای برای رسیدن به آسمان

۱۴۴ رسیدن به کشف و شهود به مراحل نهایی عرفانی

۱۴۹ مرگ و جاودانگی در دیدگاه دو شاعر

۱۵۵

نتیجه سخن

۱۵۶

منابع و مأخذ

۱۵۷

نتیجه گیری کلی



بخش اول

تاملی در زندگی و اندیشه های فروغ فرخزاد

## بیوگرافی از فروغ فرخزاد :

فروغ پانزده دی ماه ۱۳۱۳ در تهران در خانواده ای متوسط به دنیا آمد، اوچهارمین فرزند خانواده بود. نام مادرش (( توران وزیری تبار )) و نام پدرش (( سرهنگ محمد فرخزاد )) است. همچنین نام برادرانش (( امیر مسعود - فریدون - مهرداد - مهران )) و نام خواهرانش (( پوران و گلوریا )) بود. پدرش شخصیتی دو سویه داشت. یک افسر ارتش مستبد که در کودتای رضاخان نقش داشت و یک عاشق شعر که در می بست و با اشعار حافظ و سعدی راز و نیاز می کرد. فروغ از نوجوانی شعر می سرود و نقاشی می کرد. در ۱۶ سالگی برای فرار از فضای بسته محیط خانوادگی بسیار زود با (( پرویز شاپور )) نوه ی خاله ی مادری که از او ۱۵ سال کوچکتر بود ازدواج کرد و به اهواز رفت و در سال ۱۳۳۴ از او جدا شد. ثمره ای ازدواج در سال ۱۳۳۱ فرزندى به نام « کامیار » بود. فروغ بعد از این جدایی تا پایان عمر فرزندش را هرگز ندید.

در سال ۱۳۳۱ که ۱۷ سال داشت نخستین مجموعه شعرش را با نام «اسیر» که مجموعه ای از ۴۴ قطعه شعر است به چاپ رسانید. و در سال ۱۳۳۵ دومین آن را با نام «دیوار» منتشر کرد. در بیست و دو سالگی سومین مجموعه شعر را با نام «عصیان» نیز بدست چاپ سپرد. خود وی بعدها این هر سه را به ارزش و حاصل احساسات سطحی یک دختر جوان دانست.

در سال ۱۳۳۷ فروغ به چنان آگاهی نسبت به ارزش های فکری خود می رسد که در می یابد

می تواند در شعر به راهی جدا از دیگران برود . در همین سال سینما توجه او را جلب می کند و در کار ساختن بسیاری از فیلمهای مستند با « ابراهیم گلستان » همکاری می کند . در سال ۱۳۳۸ برای آموختن فن سینما به انگلستان می رود و برداشت درخشان سینمایی او هنگامی جلوه می کند که فیلم «خانه سیاه است» را از زندگی جذامیان در جذامخانه تبریز می سازد . در سال ۱۳۴۲ در نمایشنامه «شش شخصیت در جستجوی نویسنده» بازی چشمگیری دارد و در زمستان همان سال خبر می رسد که فیلم «خانه سیاه است» جایزه اول فستیوال «اوبرهاوزن» را برده است و منتقدین اروپائی به شایستگی از او تجلیل می کنند و باز در همان سال که سال اوج نبوغ اوست با یک مجموعه تازه به نام « تولدی دیگر » مشهور شد.

در سال ۱۳۴۳ به آلمان و ایتالیا و فرانسه سفر می کند . سال بعد در دومین فستیوال سینمای مؤلف در «

پزارو» شرکت می کند تهیه کنندگان سوئدی ساختن چند فیلم را به او پیشنهاد می کنند و ناشران اروپائی مشتاق نشر آثارش می شوند.

آخرین مجموعه شعری که فروغ فرخزاد که خود آن را به چاپ رسانید مجموعه تولدی دیگر است. این مجموعه شامل ۳۱ قطعه شعر است که بین سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۲ سروده شده‌اند. به قولی دیگر آخرین اثر او «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد است» که پس از مرگ او منتشر شد.

فروغ فرخزاد در روز ۲۴ بهمن ۱۳۴۵ بر اثر تصادف رانندگی در جاده دروس - قلهک در تهران جان باخت. جسد او، روز چهارشنبه ۲۶ بهمن با حضور نویسندگان و همکارانش در گورستان ظهیر الدوله به خاک سپرده شد.

فروغ از نگاهی دیگر :

فروغ از پیش‌تازان تجدد در ایران است، به این اعتبار که؛ اگر چه نیما در شعر فارسی صاحب این مقام است، ولی شعر فروغ با حضور زن دنیای معاصر در آن، با تمامی وجود و فردیت این زمانی خویش، تازگی دارد، به این اعتبار که برای اولین بار زن به عنوان زن به شعر راه یافته است و این موهبت بزرگی است که باید آن را گرامی داشت.

جهان فروغ، بر خلاف شاعران زن پیش از او، شفاف و بری از رمز و رازهای آسمانی ست. در انطباق با جهان طبیعی ست که شعر او را کفر نیز می دانند. به زمین کشاندن خدا از آسمان گام نخست مدرنیته است. در این زمان است که همه بخش‌های جهان انسان به نقد کشیده می شود. از شناخت خود است که به شناخت جامعه می رسیم. انسان دوران مدرن بی رمز و راز است، در هاله ای از تقدس به سر نمی برد. او خود را، درون خود را، نیز عریان می کند. او هیچ قداست الهی برای کسی قایل نیست. از این روست که؛ شعر فروغ در آسمان‌ها سیر نمی کند، به طلسم سنت گرفتار نیست. این نیز گفتنی ست؛ روشنفکر ایرانی هیچگاه فرصت نیافت با قدیسان الهی درگیر شود، آن طور که غرب درگیر شد. فروغ خود را با عصیان و سرکشی

بی نظیر در ادبیات فارسی وارد این درگیری تمام عیار می شود و عواقب ناگوارش را با شهامت به جان می خود، شعر عصیان خدایی نهایت این سرکشی و عصیان را در اشعار او نشان می دهد، انسان برای رشد و رسیدن به یقین باید با شک و تردید به همه اموری شروع کند و رفته رفته به حقیقت دست یابد که فروغ این مراحل را باوجود همه سختی هایش طی می کند :

نیمه شب گهواره ها آرام می جنبند  
بی خبر از کوچ درد آلود انسانها  
باز هم دستی مرا چون زورقی لرزان  
می کشد پاروزنان در کام طوفانها  
چهره هایی در نگاهم سخت  
بیگانه

خانه هایی بر فرازش اشک اخترها  
وحشت زندان و برق حلقه زنجیر  
داستانهایی ز لطف ایزد یکتا  
سینه سرد زمین و لکه های گور  
هر سلامی سایه تاریک بدرودی  
دستهایی خالی و در آسمانی دور  
زردی خورشید بیمار تب آلودی  
جستجویی بی سرانجام و تلاشی گنگ  
جاده ای

ظلمانی و پائی به ره خسته  
نه نشان آتشی بر قله های طور  
نه جوابی از ورای این در بسته  
می نشینم خیره در چشمان تاریکی  
می شود یک دم از این قالب جدا باشم  
همچو فریادی بیچشم در دل دنیا  
چند روزی هم من عاصی خدا باشم  
گر خدا بودم خدایا زین خداوندی  
کی دگر تنها مرا نامی